

تاریخ امتحان: ۱۳/۱۰/۱۴۰۱

زمان امتحان: ۳۰ دقیقه

پایه: هشتم

نام آموزشگاه: طراوت

نوبت: اول

متن املاء پایه هشتم

به مورچه و کوچکی جثه آن بنگر که چگونه عظمت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی شود .
خفاش در روز پلک ها را بر سباهی دیده‌ها می‌اندازد و شب را چونان چراغی برمی‌گزیند تا در پرتو تاریکی آن روزی
خود را جست جو کند .
سجاقک به مرداب که از زندگی آرام و یک نواختش راضی بود نگاه کرد قلبش از درد فشرده شد .
جوانه با تعجب به اطراف نگاه کرد تا سرچشمه این آب دلپذیر را پیدا کند اما ناگهان برجای خود خشکش زد .
تویی که بر قر و فروغ ایران خواهی افزود و چشم جهانیان را به خیرگی خواهی کشاند .
شاگرد بی اعتنا به درخواست استاد او را رها کرد و کوشید در کارگاه خود برای رقابت با استاد مرغوب ترین کوزه ها را
بسازد .

زندگی کردن به یادگیری اصول و روش هایی نیاز دارد زندگی یک سفر است .

بهبول گفت تو دعوی دانی می‌کردی اکنون که به ندانی خود معترف شدی تو را بیاموزم .

وقتی جولاهه ای به وزارت رسیده بود هر روز بامداد برخاستی و کلید برداشتی و در خانه باز کردی و تنها در آنجا شدی
و ساعتی در آنجا بودی .

در نوجوانی هرگز در خیال کسی نمی‌گنجد که در آینده به انسانی بی عاطفه و بد اخلاق تبدیل شود. تصور همه از آینده
یک زندگی آرمانی منطقی و سرشار از عشق و انسانیت است .

جنید بغدادی گفت: به قدر فهم مستمعان سخن می‌گویم .